

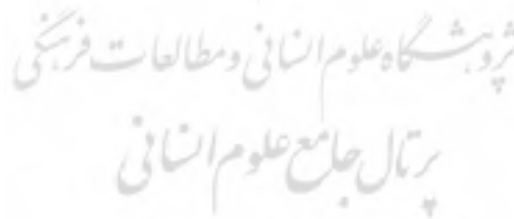
Critical Analysis of the Book
Ancient Arabic Story Literature
(Typology and Analysis of Story Elements)

Leila Jamshidi*

Abstract

Structural and content critique of textbooks is one of the most prominent scientific activities that, in addition to raising awareness, motivating students to study purposefully and paving the way for applied research, leads authors to write based on accurate scientific criteria. The book "Old Arabic Story Literature" is one of the books that emphasizes the typology of different types of storytelling and analyzes the elements of storytelling in its examples, examines the evolution of fiction in ancient Arabic literature. The present study is an analytical method and with the aim of developing research in the field of critique of academic books. University textbooks are a new step. According to the educational approach of the book, if the existing shortcomings are eliminated, it can be used as a source of educational assistance in universities, in master's and doctoral courses.

Keywords: book review, story, Fiction, Arabic literature.



* Assistant Professor of Arabic Language and Literature, ljamshidi53@gmail.com

Date received: 2020-04-05, Date of acceptance: 2020-06-17

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تحلیل انتقادی کتاب

ادبیات داستانی قدیم عربی (گونه‌شناسی و تحلیل عناصر داستانی)

لیلا جمشیدی*

چکیده

نقد ساختاری و محتوایی کتاب‌های آموزشی یکی از برجسته‌ترین فعالیت‌های علمی است که، گذشته از آگاهی‌بخشی و گشودن راه بر پژوهش‌های کاربردی، نویسندگان را به تألیف براساس موازین دقیق علمی سوق می‌دهد. کتاب *ادبیات داستانی قدیم عربی، گونه‌شناسی و تحلیل عناصر داستانی*، اثر خلیل پروینی و هومن ناظمیان، از جمله کتاب‌هایی است که با تأکید بر گونه‌شناسی و تحلیل عناصر داستان‌پردازی در نمونه‌های داستانی سیر تحول ادبیات داستانی را در ادبیات قدیم عربی بررسی می‌کند. پژوهش حاضر با روشی تحلیلی و با هدف توسعه پژوهش در حوزه نقد کتب دانشگاهی بر آن است تا با معرفی این کتاب و نقد ساختاری و محتوایی آن، گذشته از ترغیب نویسندگان به غنی‌تر کردن مباحث کتاب، در مسیر پویایی و توسعه پژوهش در حوزه نقد کتب دانشگاهی گامی تازه بردارد. باتوجه به رویکرد آموزشی کتاب، در صورت رفع کاستی‌های موجود، می‌توان از آن به‌عنوان منبعی کمک‌آموزشی در دانشگاه‌ها، در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری بهره گرفت.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، قصه، داستان‌پردازی، ادبیات عربی.

۱. مقدمه

امروزه، باتوجه به رشد روزافزون کتب دانشگاهی، نقد کتاب و به‌ویژه نقد کتاب‌هایی که با هدف آموزشی تألیف شده‌اند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردهای علمی است که

* استادیار زبان و ادبیات عربی، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، شیراز، Ljamshidi53@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۸

«به صورت موجز، مختصر، و فشرده به ارزیابی انتقادی محتوا، سبک، نقاط قوت و ضعف، و شایستگی‌های کتاب می‌پردازد» (Peh W. C. G 2010: 685). چنین نقدی نه تنها مخاطبان را از وجود کتاب‌های جدید آگاه می‌سازد و آن‌ها را به گزینش آثار علمی باکیفیت و مطالعه دقیق سوق می‌دهد، بلکه نویسندگان را نیز به برطرف کردن اشکال‌های اثر، درست‌اندیشی، و درست‌نویسی ترغیب می‌کند. در همین راستا، با پیش‌روداشتن کتاب‌هایی چون روش مطالعه ادبیات و نقدنویسی (۱۳۹۵) از جان پک و مارتین کویل؛ فرهنگ ادبیات و نقد (۱۳۸۶) از جی. ای. کادن؛ و تحلیل محتوا؛ مبانی روش‌شناسی (۱۳۹۰) از کلاوس کرپیندروف و نیز با بهره‌گیری از مقالاتی چون «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتب درسی دانشگاهی» (۱۳۸۸) از احمد رضی، که هرکدام به‌نوبه خود سهم برجسته‌ای در تبیین شیوه نقد آثار داشته‌اند، مقاله حاضر بر آن است تا با شیوه‌ای تحلیلی به‌منظور پویایی و توسعه پژوهش در این حوزه، کتاب ادبیات داستانی قدیم عربی را به‌عنوان یکی از کتاب‌هایی که با هدف آموزش در جوامع دانشگاهی تألیف شده است مورد نقد و بررسی قرار دهد و از ره‌یافت این ارزیابی در پی پاسخ‌گویی به سؤالات زیر برآید:

۱. نویسندگان تا چه میزان توانسته‌اند ساختار اثر خود را متناسب با معیارهای ساختاری کتاب منطبق سازند؟

۲. محتوای کتاب تا چه میزان در ارائه مفاهیم، تناسب با نیازهای مخاطبان، و هماهنگی با یافته‌های علمی جدید موفق بوده است؟

چه آن‌که بررسی کتاب‌های منتشرشده در سال‌های اخیر گویای معطوف‌نبودن آن‌ها به نیازهای جامعه مخاطب، هم‌سو و هماهنگ نبودن محتوای آن‌ها با یافته‌های علمی جدید، نداشتن انسجام و یک‌پارچگی در ارائه مفاهیم، جنبه آموزشی نداشتن مفاهیم و جذاب‌نبودن مطالب است (ملکی ۱۳۸۵: ۹-۲۰؛ ذاکری ۱۳۸۸: ۱۵۳-۱۶۸؛ آل‌داوود ۱۳۹۰: ۱۸-۱۹). امید است با انجام پژوهش‌های این‌چنینی فرهنگ نقد به‌عنوان جزئی از ساختار و هویت مجامع دانشگاهی جایگاه شایسته خود را بیابد که بدون تردید تمامی فرایندهای تولید و اشاعه علم از گذر نقد صورت می‌پذیرد و هویت آثار دانشگاهی در سایه نقد علمی آن تکامل خواهد یافت.

۲. معرفی کلی کتاب

کتاب موردنقد با عنوان ادبیات داستانی قدیم عربی، نوشته خلیل پروینی^۱ و هومن ناظمیان^۲، در موضوع گونه‌شناسی و تحلیل عناصر داستانی به‌نگارش درآمده که در سال ۱۳۹۶ مرکز

نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) در تهران آن را به چاپ رسانده است. به نظر می‌رسد این کتاب نخستین کار مشترک میان این دو مرکز علمی - پژوهشی است که با هدف رفع محدودیت امکانات مراکز علمی - پژوهشی و پاسخ‌گویی به نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی به جامعه علمی عرضه شده است. بدون تردید، این امر یکی از جنبه‌های ارزشمند این کتاب است که راه را بر چنین رویکردهای علمی می‌گشاید.

موضوع کتاب، بنابه گفته نویسندگان کتاب، «افزون بر نگاهی کلی به ادبیات داستانی قدیم عربی تا آغاز دوران معاصر، ضمن پرهیز از تقسیم‌بندی تحولات ادبی بر مبنای حکومت‌ها و سلسله‌ها، بر گونه‌شناسی انواع مختلف داستانی» (پروینی و ناظمیان ۱۳۹۶: پیش‌گفتار) متمرکز شده است و نویسندگان بر آن بوده‌اند تا «با ذکر نمونه‌هایی از قصه‌ها و داستان‌های مختلف و نیز ترجمه و بیان ویژگی هنری و گاه تحلیل عناصر داستانی» (همان) خوانندگان این اثر را با سیر تحول ادبیات داستانی پیش‌تر و بهتر آشنا کنند.

کتاب از دوازده فصل و یک خاتمه تشکیل و در ۵۷۶ صفحه تنظیم شده است که نویسندگان در تقسیم‌بندی فصل‌ها، به‌جای پیروی از روش‌های مرسوم مطالعات تاریخ ادبیات عربی، زیربنای بررسی خود را بر گونه‌شناسی ادبیات داستانی قدیم عربی و مطالعه و بررسی سیر تحول و تکامل آن قرار داده‌اند.

۳. نقد ساختاری

۱.۳ ارزیابی بعد فیزیکی و ظاهری

یکی از برجسته‌ترین عوامل جذاب و برانگیزاننده در هر کتاب بعد ظاهری و فیزیکی آن است که نوع برخورد اولیه مخاطب خود را شکل می‌دهد و وی را برای ورود به بعد محتوایی آن ترغیب می‌کند. از این رو، جذابیت ظاهری و صفحه‌آرایی کتاب و ارتباط آن با محتوا، استحکام فیزیکی، هماهنگی ابعاد، و قطع آن با محتوا و شرایط سنی مخاطبان و نوع کاربرد یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در ارزیابی هر کتابی است.

۱.۱.۳ طراحی جلد و صفحه‌آرایی

تردیدی نیست که جلد یا رویه کتاب آن را در برابر آسیب‌های فیزیکی محافظت می‌کند و به‌منزله لباسی است که لازم است با پیکره‌اش متناسب باشد و نمایی کلی از محتوا را به

مخاطب ارائه دهد. طراحی جلد کوشش پویایی است که در مورد کتاب اهمیت دوچندانی می‌یابد؛ «زیرا کیفیت کار طراحی جلد کتاب و تقسیمات و سطوح آن کامل‌ترین در میان انواع جلدهای نشریات است» (حقیقی ۱۳۷۸: ۴۵).

کتاب *ادبیات داستانی قدیم عربی* در جلد شومیز و قطع ۱۹×۲۵/۵ صحافی شده است و دربردارنده اطلاعات کتاب‌شناسی اساسی از جمله عنوان، نام نویسندگان، ناشر، و لوگوی آن است. روی جلد با تصویر رنگی مینیاتوری شبیه به تصاویر موجود در کتب داستانی قدیم، که صحنه‌ای از داستان را به تصویر می‌کشد، طراحی شده است تا اشاره‌ای به محتوای کتاب باشد. عنوان اصلی کتاب در زیر این تصویر با قلم درشت و با رنگ مشکی و عنوان فرعی در پرانتز با رنگ سفید آورده شده است؛ شاید انتخاب رنگ مشکی را بتوان گویای مهارت طراح آن در القای رمزآلود بودن، قوت، و جاودانگی ادبیات داستانی قدیم عربی دانست. هم‌چنان‌که گزینش رنگ سفید در تضاد با رنگ مشکی نشان از دقت نظر وی برای برجسته‌سازی عنوان فرعی کتاب است. پس از عنوان، نام نویسندگان نیز با همان قلم و در اندازه کوچک‌تر و به رنگ مشکی به‌نگارش درآمده است. اگرچه تفاوت رنگ عنوان فرعی عنوان کتاب را از نام نویسندگان متمایز کرده است، عدم رعایت فاصله کافی میان آن‌ها، علی‌رغم تغییر اندازه قلم، نوعی تراکم نگارش را روی جلد کتاب ایجاد کرده است. در بالای جلد، در سمت راست لوگوی دانشگاه تربیت مدرس و در سمت چپ لوگوی سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، به‌عنوان ناشران کتاب، خودنمایی می‌کند.

صفحه‌آرایی کتاب نیز با انتخاب فونت مناسب، آوردن عنوان کتاب، عنوان فصل‌ها و شماره صفحه در سربرگ، فاصله مناسب بین متن و فضاهای خالی در سطح مطلوبی قرار دارد. هرچند تغییر فونت عناوین فرعی (ایتالیک) از عناوین اصلی با هدف تمایز میان آن‌ها، تسهیل مطالعه، و ترغیب خواننده صورت گرفته است، به‌نظر می‌رسد به‌جهت کثرت عناوین فرعی این هدف چندان تحقق نیافته است. شاید اگر ایجاد این تمایز با شماره‌گذاری عناوین انجام می‌گرفت، می‌توانست به‌خوبی ضعف این امر را مرتفع سازد.

۲.۱.۳ حجم کتاب

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های ارزیابی در کتاب‌های آموزشی دانشگاهی تناسب حجم آن با تعداد واحدهای مصوب وزارت علوم است و «این‌که حجم اطلاعات اصلی در کتاب

درسی با حجم اطلاعات جنبه تناسب منطقی داشته باشد» (رضی ۱۳۸۸: ۲۳). کتاب ادبیات داستانی قدیم عربی در ۵۷۶ صفحه، متناسب با واحدهای ارائه شده در دو درس «ادبیات داستانی» و «نقد ادبی» در دوره کارشناسی ارشد^۳ است و نویسندگان آن کوشیده‌اند تا میان حجم اطلاعات اصلی و جنبه نوعی تناسب منطقی برقرار کنند و اطلاعات اصلی را به شیوه‌ای ارائه دهند که مخاطبان بتوانند پیام‌های اصلی نویسنده را دریافت کنند و روی آن متمرکز شوند؛ هرچند برای تحقق کامل این هدف شایسته است در چاپ‌های بعدی کتاب موارد زیر را مورد توجه قرار دهند:

- با توجه به تخصصی بودن موضوع کتاب، آوردن برخی مباحث چندان ضروری به نظر نمی‌رسد و تنها به حجم کتاب افزوده است (پروینی و ناظمیان ۱۳۹۶: ۴۳۷). به عنوان مثال: در «فصل سفرنامه‌نویسی» ذکر شرح حال جهان‌گردان سفیری که قرار نبوده است سفرنامه آنان بررسی شود نه تنها اطلاعاتی را به درک مخاطب از ادبیات داستانی نمی‌افزاید، بلکه بر مباحث کتاب نیز سنگینی می‌کند (همان: ۴۴۸-۴۵۰). شایسته است این مطالب با آوردن نمونه‌های داستانی از سفرنامه‌ها و تحلیل عناصر داستانی آن جای‌گزین شود.
- در برخی از بخش‌های کتاب، مطالب به صورت تکراری آورده شده که تکرار مباحث یا به صورت تکرار عین مباحث است؛ چنان‌که در فصل نخست در تعریف قصه به دو تعریف یک‌سان، آن‌هم از یک صاحب‌نظر، استناد شده (همان: ۵) یا این‌که مفاهیم با عبارتهای دیگری آورده شده است (همان: ۱۷۷، ۲۰۷، ۴۸۰) که این تکرار تنها به حجم کتاب افزوده است.
- در خاتمه کتاب مباحثی آورده شده که قبلاً در متن داستانی صحبتی از آن‌ها به میان نیامده است و ضرورتی برای ذکر آن احساس نمی‌شود؛ به‌ویژه آن‌که برخی از این مباحث مربوط به ادبیات به‌طور کلی است و نه ادبیات داستانی؛ چنان‌که نویسندگان در خاتمه کتاب در باب قصه‌های صوفیانه به ادب صوفی مشتمل بر شعر و نثر پرداخته‌اند (همان: ۵۴۳).

۳.۱.۳ عنوان‌بندی موضوعات

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هر کتاب عنوان‌بندی موضوعات و مباحث کتاب در قالب عنوان‌های اصلی، فرعی، و ریزعناوین است. به نظر می‌رسد شیوه ارائه مباحث در کتاب

موردنقد نیز با چنین رویکردی انجام گرفته است. از سوی دیگر، به جهت ارائه مطالب به صورت توصیفی - تحلیلی، نویسندگان کوشیده‌اند مباحث تحلیلی را با عنوان «تحلیل» از مباحث توصیفی متمایز سازند. این امر یکی از ویژگی‌های مثبت کتاب است که موجب تمرکز مخاطبان بر جنبه تحلیلی کتاب می‌شود. با وجود این امر، مواردی وجود دارد که شایسته است در چاپ‌های بعدی کتاب مورد توجه ویژه قرار گیرد:

- در برخی موارد، نوعی تداخل و بهم‌ریختگی میان بخش توصیفی و تحلیلی کتاب به چشم می‌آید. به عنوان مثال، در فصل «قصه‌های عامیانه» بعد از آوردن نمونه‌ای از سیرة عنتره، نویسندگان بدون آوردن عنوان وارد تحلیل داستان شده‌اند که این امر برخلاف روال معمول در کتاب است (پروینی و ناظمیان ۱۳۹۶: ۳۵۴-۳۵۸)، یا در فصل مقامه‌نویسی بعد از آوردن متن داستانی «مقامه بصریه»، قبل از عنوان تحلیل، بخشی از تحلیل‌ها در خلال متن داستانی آمده است (همان: ۳۹۷).
- در برخی موارد، عناوین گویای مباحث ارائه شده تحت آن عنوان نیست. چنان‌که در فصل داستان‌های عامیانه باین‌که عنوان «نمونه‌هایی از سیرة عنتره» است، فقط یک نمونه داستانی از سیرة عنتره آورده شده (همان: ۳۵۴) و مانند آن در «نمونه‌هایی از حکایت‌های کلیله و دمنه» که فقط به یک شاهد داستانی استناد شده است (همان: ۲۲۹).
- برخی عناوین با محتوای ارائه شده در زیر آن متناسب نیست. به عنوان مثال، در «فصل داستان‌های تمثیلی» تحت عنوان زاویه دید مباحثی در خصوص نمادها و دگرگونی آن‌ها و شخصیت‌های نمادین داستانی آورده شده است (همان: ۲۴۰-۲۴۱)، که لازم بود تحت عنوان نماد به آن‌ها پرداخته شود یا در همان فصل با عنوان «استعاره و نماد در فابل» بدون تحلیل نماد و تفکیک مرز آن از استعاره به گفتاری کلی از نماد در فابل اکتفا شده است، گذشته از آن‌که نوعی اختلاط مباحث میان نمادهای ارائه شده نیز وجود دارد (همان: ۱۹۹-۲۰۱).
- ناهماهنگی‌هایی در زبان عناوین وجود دارد. برخی عناوین فارسی و برخی عربی است (همان: ۵۰۹).
- عناوین شماره‌گذاری نشده است. حال آن‌که شماره‌گذاری عناوین می‌توانست در تشخیص عناوین اصلی، فرعی، و ریزعناوین مخاطب را یاری دهد و او را از سردرگمی رها سازد.

۴.۱.۳ زبان متن

زبان «مجموعه‌ای از نشانه‌های قراردادی است که برای انتقال پیام استفاده می‌شود» (نجفی ۱۳۸۵: ۲۶). در تألیف کتب آموزشی نه تنها نوع مطالب اهمیت دارد، بلکه زبان یا به عبارتی دیگر نحوه بیان و ارائه آن نیز بسیار مهم و کلیدی است. در بررسی زبان کتاب به نظر می‌رسد نویسندگان به اهمیت این امر به خوبی واقف بوده‌اند. از این رو، مباحث کتاب را با زبانی رسمی، روان، قابل درک، و به دور از پیچیدگی به شکلی دقیق، واضح، و منسجم ارائه کرده‌اند و با آوردن نمونه‌هایی از داستان‌ها به هم‌راه ترجمه‌ای غالباً روان و تحلیل عناصر داستانی آن کوشیده‌اند تصاویری ملموس از مباحث انتزاعی ایجاد کنند، تا درک مطالب برای مخاطب آسان‌تر باشد و جذابیت بیش‌تری برای آموزش آن‌ها حاصل آید. از سوی دیگر، مستندساختن زبان متن با بهره‌گیری از منابع معتبر موجب شده است مخاطب درباره مباحث ارائه شده شک و تردیدی نداشته باشد و آن را به راحتی بپذیرد. هم‌چنان‌که به‌روزی بودن و کارآمدی منابع در بخش تحلیلی کتاب، به‌ویژه در زمینه پژوهش‌های تحلیلی ادبیات داستانی، می‌تواند تا حدود زیادی راه را برای ترغیب مخاطبان و کشاندن آن‌ها به حوزه نقد کاربردی هموار سازد. داشتن چنین ویژگی‌های مثبتی اهتمام به رفع کاستی‌های زبان متن کتاب در چاپ‌های بعدی را بیش‌تر می‌طلبد. شاید بتوان مهم‌ترین نقص‌ها را در موارد زیر خلاصه کرد:

- طولانی بودن برخی جمله‌ها که زائیده چنین مواردی است: پی‌درپی آوردن چندین جمله پایه (همان: ۸۹)، تکرار عین جمله‌ها، مانند «وقتی صدا را شنید گمان کرد صدای بچه خودش است، پس به دنبال صدا رفت درحالی‌که گمان می‌کرد صدای بچه خودش است» (همان: ۱۶۲) یا تکرار افعال (همان: ۲۳۵، ۴۸، ۱۶۲، ۳۹۴، ۴۸۹، ۵۱۴، و ...)، یا تکرار کلمات و عبارات (همان: ۳۱، ۴۹، ۳۲۹، و ...) که همه این موارد نیازمند کوتاه کردن جمله‌ها تا حد ممکن با استفاده از حذف کلمات اضافه و جای‌گزینی آن‌ها با کلمات مناسبی است که هدف را مستقیم‌تر منتقل می‌کنند. هم‌چنین، حذف واژگان پرکننده که هیچ هدفی را در متن دنبال نمی‌کنند موجب می‌شود تا جملات روان‌تر و قابل درک‌تر باشد و ذهن خواننده را خسته نکند و معنی را مستقیم‌تر انتقال دهد؛

- وجود کلمات و عبارات عربی زده و ناآشنایی که انتقال پیام نویسنده را با مشکل مواجه می‌کند که لازم است چنین واژگانی حذف شود و نیز واژگان عربی مانند «مغفول» (همان: ۱۸)، «توسعاً» (همان: ۱۹)، «متداخل» (همان: ۵۰) «أو» (همان: ۵۴)، «مقتصدان» (همان: ۵۶)، «مجلد» (همان: ۲۴۳)، و ... با معادل‌های فارسی

- آن‌ها جای‌گزین شود. بدون تردید این امر، گذشته‌ازآن که متن را روان‌تر می‌کند، موجب می‌شود تا انتقال پیام با سرعت و تأثیر بیش‌تری انجام شود؛
- استفاده از ضمایر اول‌شخص جمع، مانند «به‌نظر ما معنی مصدری درست‌تر است» (همان: ۹۷). بدون تردید استفاده از ضمایر و افعال اول‌شخص حس نشان‌دادن برتری نویسندگان را به مخاطب القا می‌کند و نوعی تصور کنترل‌گری را برای وی ایجاد می‌کند و ممکن است حالت تدافعی را در او برانگیزد.
 - ناهماهنگی در صیغه افعال، که درباره یک شخص واحد گاهی به‌صورت مفرد و گاهی به‌صورت جمع آورده شده است (همان: ۳۰، ...). یا ناهماهنگی در زمان افعال (همان: ۴۰۵، ۴۴۴، ۴۵۲، ۴۶۰، ...) که لازم است یک‌دست شود؛
 - تکرار واو عطف میان واژه‌ها که متأثر از شیوه نگارش در زبان عربی است (همان: ۹۰)؛
 - ابهام در مرجع ضمیر (همان: ۳۵۲، ۵۱۳) و نیز تکرار ضمایر، به‌ویژه در ترجمه‌ها (همان: ۱۶۲، ۲۳۲، ۲۴۸، ۳۳۴، ...) روانی متن را دچار خدشه کرده است؛
 - پراکندگی و ازهم‌گسیختگی متن در برخی موارد (همان: ۲۳۰)، به‌ویژه در ترجمه متن‌های عربی (همان: ۲۱، ۲۶، ۲۸، ۳۱، ...) ضرورت ویرایش متن کتاب را ایجاب می‌کند؛
 - پایان‌پذیرفتن جملات با فعل و آوردن فعل در وسط جمله، در صورتی که به سبک نویسندگی برنگردد (همان: ۹۱، ۱۶۶، ۱۶۹، ۲۵۱، ۳۷۹، ...).
- هم‌چنین، کاستی‌های دیگری وجود دارد که اگرچه مربوط به زبان متن نیست، رفع آن‌ها به روانی و زیبایی متن کتاب کمک بسیاری می‌کند. از جمله:
- عدم استفاده درست و به‌جا از علائم نگارشی که در برخی موارد موجب ابهام در درک مفهوم متن می‌شود (همان: ۳۸، ۱۵۹، ۱۶۶، ۲۲۹، ...)
 - اشاره‌نکردن به نص صریح آیات، علی‌رغم نیاز آن برای آشنایی مخاطب با سبک داستان‌ها، و ضرورت آوردن ترجمه آن‌ها در پی‌نویس (همان: ۲۵۰) و حرکت‌گذاری کامل و قراردادن آن در کمانک آیه (همان: ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۹۶)؛
 - معادل واژگان لاتین در پی‌نویس آورده نشده است (همان: ۱۹۸، ۴۰۹، ۴۸۵، ۵۴۴)؛
 - برخی واژگان و اصطلاحات، مانند «اپیزود» (همان: ۳۲۳)، «ابا الحسل» (همان: ۲۱۱)، و نیز شخصیت‌های تاریخی موجود در متن، مانند «ایزوپ»، «احیقر»، «لقمان» (همان: ۲۰۸)، و «استرابون» (همان: ۴۶۰) نیازمند توضیح در پانویس است؛

- اسم‌های خاص برای متمایز شدن از واژگان متن در گیومه قرار داده نشده است (همان: ۳۹۸)؛
- ترجمه بیت‌های شعر در پی‌نویس آورده نشده (همان: ۴۳۸) و متن عربی آن ترازبندی نشده است (همان: ۳۸۶)؛ به‌ویژه در مواردی که این امر موجب اختلال در وزن عروضی شعر شده است (همان: ۴۹۶)؛
- ناهماهنگی در ذکر تاریخ‌ها که لازم است همه به قمری یا به میلادی یا به هر دو صورت آورده شود (همان: ۴۵۹-۴۶۰)؛
- علمی‌تر است که مباحث کتاب به منابع اصلی و دست‌اول ارجاع داده شود (همان: ۲۸۰-۲۸۱). به‌عنوان مثال، اشعار یا بدون ارجاع رها شده یا به منابعی غیر از دیوان شاعران آن‌ها ارجاع داده شده است (همان: ۴۹۶)؛
- در لیست منابع استفاده‌شده کتاب، در نوشتن شماره جلد، شماره چاپ، نگارش اجزای منابع، و علائم نگارشی میان آن‌ها و هم‌چنین علامت اختصاری سال‌ها و تاریخ هماهنگی وجود ندارد (همان: ۵۴۹-۵۶۶)؛
- متن نیازمند ویرایش املائی است. به‌عنوان مثال: «همان‌گونه‌که در این حکایت‌های می‌بینیم» (همان: ۵۷) که باید به «حکایت‌ها» اصلاح گردد؛ هم‌چنین «متأثر شدن یوسف (ع) به وضعیت اقتصادی رقت‌بار برادران» (همان: ۱۳۳) که باید به «از وضعیت ...» اصلاح شود و نمونه‌های دیگری که مجال پرداختن به همه آن‌ها وجود ندارد (همان: ۱۵۷، ۳۷۹، ۳۹۸، ۴۳۹، ۵۱۷، و ...).

۵.۱.۳ رعایت امانت در استفاده از منابع و مراجع

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها در ارزیابی کتاب‌های آموزشی استفاده آن‌ها از منابع و مراجع دست‌اول و معتبر است که هم موجب اعتبار علمی کتاب می‌شود و هم امکان مطالعه بیشتر و بررسی دقیق‌تر را برای خواننده فراهم می‌سازد. یکی از ویژگی‌های مثبت کتاب موردنقد کثرت منابع تخصصی است که در تألیف آن به‌کار گرفته شده است و نویسندگان با رعایت کامل امانت توصیف‌ها و تحلیل‌های خود را در دو شیوه «نقل قول مستقیم» و «نقل به‌مضمون» به آن مستند ساخته‌اند. البته در برخی موارد نیز کاستی‌هایی مشاهده می‌شود؛ از جمله:

- لازم است منبع نمونه‌های داستانی به‌طور کامل و دقیق ذکر شود تا مخاطب برای یافتن آن دچار مشکل نشود؛

- برخی مطالب توصیفی از منابعی آورده شده که به منبع آن ارجاع داده نشده است (همان: ۱۴، ۹۶)؛ هم‌چنین برخی تحلیل‌ها نیز از مقالاتی گرفته شده که به آن مقالات ارجاع داده نشده است (همان: ۴۰۰)؛
- در برخی موارد، مشخصات منبع به‌طور کامل آورده نشده و تنها به نام آن در متن اشاره شده است (همان: ۹۵)؛
- با توجه به تأکید کتاب بر ادبیات داستانی قدیم عربی، شایسته است مباحثی که اصالت عربی دارد به اصل منبع عربی آن ارجاع داده شود (همان: ۲۸۰).
- بی‌تردید رفع این کاستی‌ها در چاپ‌های بعدی می‌تواند رعایت امانت علمی و شیوه مستندسازی کتاب را قوت بخشد.

۴. نقد محتوایی

شاید بتوان محتوا را دانش‌ها، مهارت‌ها، و ارزش‌هایی توصیف کرد که فراگیری آن لازم می‌نماید (نیکلس ۱۳۷۷: ۶۲) و تحلیل محتوا را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شیوه‌های پژوهش برای توصیف عینی، نظام‌دار، و کمی ظاهر محتوای رسانه ارتباطی تعریف کرد (کرپیندروف ۱۳۹۰: ۸۷)؛ یا «یک روش پژوهش منظم برای توصیف عینی و کمی محتوای متون درسی و مقایسه پیام‌ها و ساختار محتوا با اهداف برنامه درسی» (یارمحمدیان ۱۳۸۶: ۱۵۰)، و به‌عبارتی دیگر «یک روش علمی برای تشریح و ارزش‌یابی عینی و منظم پیام‌های آموزشی» (شعبانی ۱۳۸۴: ۱۸۰) دانست.

در این راستا، تحلیل و مطالعه محتوای متون آموزشی «به تصمیم‌گیران و دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا در هنگام تدوین کتاب‌های درسی تصمیمات درستی بگیرند» (حسن مرادی ۱۳۸۸: ۳۴) و بی‌تردید نقد محتوا اساسی‌ترین راه‌کار برای رفع نواقص و کاستی‌های آن خواهد بود.

۱.۴ اصول انتخاب محتوا

در کتاب‌هایی که با هدف آموزش تألیف می‌شوند آنچه باعث اعتبار علمی آن می‌شود سیر منطقی محتوا، روزآمدی و ارتباط آن با سطح دانش، نیاز و رغبت مخاطبان، ارتباط محتوایی با سایر منابع آموزشی، ظرفیت مطالب کتاب در برقراری ارتباط با فراگیران، و اثرگذاری بر آن‌ها و ... است.

۱.۱.۴ سازمان‌دهی و نظم منطقی محتوا

دست‌یابی به هدف‌های موردنظر نویسنده، به‌منظور ارائه و تقویت مباحث کتاب در ذهن مخاطبان، می‌طلبد که محتوای کتاب با سیری منطقی سازمان‌دهی شود و در فصل‌های گوناگون دارای پیوستگی و انسجام موضوعی باشد و باتوجه‌به پیش‌آمخته‌ها به‌صورت تدریجی وسعت داده شود و با سایر آموزش‌های هم‌سطح آن ارتباط افقی داشته باشد. در بررسی کتاب حاضر می‌توان ساختار منطقی آن را، باتوجه‌به موارد زیر، مثبت ارزیابی کرد:

۱.۱.۱.۴ داشتن شناس‌نامه روشن

کتاب دارای شناس‌نامه‌ای روشن است که در صفحه دوم حروفی آورده شده و با انتخاب عنوان «ادبیات داستانی قدیم عربی» خود را در تقسیم‌بندی «گونه‌شناسی و تحلیل عناصر داستانی» جای داده است؛ هرچند، باتوجه‌به این تقسیم‌بندی، کتاب نتوانسته است با محتوای خود انتظار مخاطب را در تحلیل عناصر داستانی به‌طور کامل برآورده سازد، با موضوعات ذکرشده در شناس‌نامه آن، یعنی «داستان‌های عربی - تاریخ و نقد»، «داستان - هسته‌های داستانی، پی‌رنگ‌ها، و غیره»، و نیز «ادبیات عربی - تاریخ و نقد» کاملاً مرتبط است. هم‌چنین، ذکر نام نویسندگان به‌هم‌راه عنوان شغلی آن‌ها در شناس‌نامه کتاب بر اعتماد مخاطب نسبت به اعتبار علمی کتاب می‌افزاید و نشر آن از سوی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و دانشگاه تربیت مدرس این اعتبار را تقویت می‌بخشد. داشتن رده‌بندی کنگره، رده‌بندی دیویی، و شماره کتاب‌شناسی ملی، و ... از دیگر مزایای شناس‌نامه کتاب است که انگیزه مخاطب را برای اعتماد به محتوای کتاب برمی‌انگیزد.

۲.۱.۱.۴ اشاره به پیشینه پژوهش

تردیدی نیست که هر اثری پیشینه‌ای پژوهشی دارد. کتاب موردنقد نیز در پیش‌گفتار خود به پژوهش‌های ارزش‌مندی در حوزه ادبیات داستانی و تحلیل عناصر آن پرداخته است. مقدم‌کردن پژوهش‌های عربی بر فارسی در بررسی پیشینه، باتوجه‌به موضوع کتاب که ادبیات داستانی قدیم عربی است، گویای دقت‌نظر نویسندگان کتاب بوده است، که جدا از پرداختن به موضوع این پژوهش‌ها با رعایت کامل شیوه‌ارجاع‌دهی راه را برای مخاطبانی که خواستار مطالعه بیشتر در این زمینه‌اند هموار کرده است؛ هرچند، باتوجه‌به اهتمام نویسندگان به جنبه

تحلیلی داستان‌ها در کتاب، در پیشینه پژوهش، جای منابع بسیار ارزش مندی چون فن القصه (۱۹۹۶ م) از محمد یوسف نجم؛ هنر داستان‌نویسی (۱۳۵۱) از ابراهیم یونسی؛ ادبیات داستانی (۱۳۶۶) از جمال میرصادقی؛ منشأ شخصیت در ادبیات داستانی و پژوهشی در نقش پروتوتیپ‌ها در آفرینش ادبی (۱۳۷۱) از شیرین دخت دقیقیان خالی است؛ چه آن‌که چنین منابعی جنبه هنری داستان و تحلیل عناصر داستانی را مورد توجه قرار می‌دهند و راه را برای مخاطبانی که در جست‌وجوی تحلیل جنبه‌های هنری داستان‌اند هموار می‌سازد. هم‌چنین، نویسندگان در پیشینه، بعد از ذکر مقالات، آن‌ها را فاقد جنبه تحلیلی دانسته‌اند. حال آن‌که بسیاری از این مقالات هم‌چون «عنصر صحنه در مقامات حریری و حمیدی» (۱۳۸۷) از حسن دادخواه و لیلا جمشیدی دارای رویکردی تحلیلی است.

۳.۱.۱.۴ ارائه منطقی محتوا

محتوای کتاب با محوریت گونه‌شناسی ادبیات داستانی قدیم عربی در یازده فصل و اختصاص هر فصل به بررسی یکی از گونه‌های داستانی به‌شکلی منطقی ارائه شده است؛ هرچند نویسندگان مبنای این تقسیم‌بندی و سبب تقدیم و تأخیر آن‌ها را بیان نکرده و تنها به خروج خود از روش‌های مرسوم مطالعات تاریخ ادبیات عربی که بر پایه تحولات سیاسی است بسنده کرده‌اند، که شاید پاسخ‌گوی سؤالات موجود در ذهن مخاطبان نباشد. نویسندگان برای ارائه مطالب در هر فصل چهارچوب مشخصی را در نظر داشته‌اند؛ بدین ترتیب که در هر فصل ابتدا کلیاتی را درباره گونه داستانی مطرح شده در آن فصل بیان کرده، سپس به‌منظور آشنایی مخاطبان با متن و اسلوب داستان‌ها نمونه‌هایی از ترجمه داستان‌ها را آورده، به تحلیل آن پرداخته، و در پایان هر فصل متن عربی اکثر داستان‌ها را برای مراجعه علاقه‌مندان نیز آورده‌اند. آوردن پیشینه تاریخی و ادبی از زندگی نویسندگان نمونه‌های داستانی آورده شده یکی از نقاط قوت کتاب است. اما، علی‌رغم چنین چهارچوبی، در برخی موارد ناهماهنگی‌هایی را در ارائه محتوای کتاب مشاهده می‌کنیم که اشاره به برخی از آن‌ها بی‌مناسبت نیست:

- برخی مباحث در جای خود توضیح داده نشده و به‌خوبی تحلیل نشده‌اند. به‌عنوان مثال، نه تنها مرز میان داستان، قصه، حکایت، و ... به‌درستی مشخص نشده، بلکه نویسندگان در فصل‌های «داستان‌های تاریخی و واقعی»، «داستان‌های دینی» و در «فصل حکایت‌های صوفیانه»، پس از آوردن شواهد بسیار از قصه و حکایت، تعریف اصطلاحی آن‌ها را آورده‌اند (پروینی و ناظمیان ۱۳۹۶: ۱۴۹)، که شایسته‌تر بود در

فصل اول، انواع ادبیات داستانی، تعاریف اصطلاحی، و مرز میان آن‌ها به‌درستی مشخص می‌شد تا نه‌تنها از تکرار، پراکندگی، و ازهم‌گسیختگی مباحث پرهیز شود، بلکه مخاطب به درک منسجمی از مطالب و توان‌مندی تفکیک میان انواع داستان‌ها نائل شود؛

- میان تقسیم‌بندی انواع داستان‌ها نوعی تداخل وجود دارد؛ چنان‌که برخی از سفرنامه‌ها را می‌توان در زمره داستان‌های تاریخی بررسی کرد (همان: ۴۵۱، ۴۸۴) یا در تقسیم داستان‌های ضرب‌المثلی و برشمردن یکی از انواع آن به‌عنوان «داستان‌های دارای اهداف اخلاقی و تعلیمی با شخصیت‌های غیرانسانی»، تداخلی با فابل پیش می‌آید، که نویسندگان به آن اشاره نکرده‌اند (همان: ۲۷۴). گذشته‌از آن‌که این تقسیم‌بندی، خود، جای تحقیق بیش‌تری دارد چه آن‌که مبنای آن مشخص نیست و قسم یک‌دیگر نیستند و ازسوی دیگر عمده داستان‌های ضرب‌المثلی دارای هدف اخلاقی و تعلیمی است؛ یا به‌عنوان مثال در فصل «حکایت‌های صوفیانه»، دامنه حکایت‌ها به داستان‌های تاریخی و سیره‌نویسی کشیده شده و حتی برجسته‌تر است (همان: ۱۵۲)؛

- در ارائه محتوای کتاب، انتظار منطقی این است که مباحث به‌ترتیب اهمیت آورده شود؛ حال آن‌که چنین ترتیبی در کتاب چندان مورددقت قرار نگرفته است. به‌عنوان مثال، در «فصل قصه‌های عامیانه»، علی‌رغم این‌که «سیره عنترة» مهم‌ترین داستان پهلوانی عربی است و نویسندگان در مقدمه بررسی آن به این حقیقت اذعان کرده‌اند، در بررسی «سیره بنی‌هلال» را بر آن مقدم کرده‌اند (همان: ۳۴۸-۳۴۹).

- در آوردن متن عربی داستان‌ها یا ترجمه آن‌ها هماهنگ عمل نشده است. در برخی موارد، ترجمه در متن اصلی و معادل عربی آن در پایان فصل آورده شده است، اما در برخی دیگر، متن عربی در متن اصلی بدون هیچ ترجمه‌ای آمده است (همان: ۴۸۶، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳) یا حتی بخشی از داستان به زبان فارسی و بخشی به زبان عربی آورده شده است (همان: ۴۸۰، ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۸۸، ۵۱۸).

- ارائه مباحث در فصل «سفرنامه‌نویسی» شکل تاریخ ادبیات را به خود گرفته و از هدف اصلی کتاب که بررسی ادبیات داستانی، انواع، و تحلیل عناصر آن بوده فاصله گرفته است (همان: ۴۴۴-۴۶۴) و این ذهنیت را تقویت می‌کند که نویسندگان به اطلاعاتی توصیفی در این خصوص بسنده کرده و زحمت یافتن و تحلیل متن‌های داستانی آن را به خود نداده‌اند.

- در استناد به برخی کتاب‌های عربی، اصل متن عربی آورده شده است (همان: ۱۰۲، ۱۴۶-۱۴۷) که، باتوجه به فارسی بودن متن کتاب، شایسته بود نویسندگان به ترجمه متن استناد می‌کردند و به اصل متن ارجاع می‌دادند تا متن یکدست تر و، باتوجه به عمومیت خوانندگان، درک مطالب آسان تر می‌شد.
- از آنجاکه عنوان کتاب مربوط به ادبیات داستانی قدیم عربی است، انتظار می‌رود مباحث کتاب نیز منحصر به ادبیات قدیم عربی باشد و وارد دوره‌های دیگر نشود. حال آن‌که در برخی مباحث خلاف این امر دیده می‌شود. به‌عنوان مثال، در فصل مقامه‌نویسی و در تحلیل «مقامه صوفیه»، نویسندگان در بحثی مفصل به مقامه‌نویسی در اوایل عصر نهضت و پیش‌گامی ناصیف یازجی در مقامات این دوره پرداخته و حتی نثر داستانی آن‌ها را تحلیل کرده‌اند (همان: ۴۱۶-۴۱۷).

۲.۱.۴ روزآمدی محتوا و ارتباط آن با سطح دانش و رغبت مخاطبان

یکی از موردتوجه‌ترین مؤلفه‌های ارزیابی کتاب‌هایی که با هدف آموزشی تألیف می‌شوند به‌روزی بودن محتوای آن‌هاست؛ «از این رو، کتاب درسی باید تازه‌ترین اطلاعات علمی مربوط به موضوع را در بر داشته باشد» (رضی ۱۳۸۸: ۲۲). با وجود آن‌که ادبیات داستانی، به‌عنوان یکی از گونه‌های ادبی، امروزه سهم عظیمی از پژوهش‌هایی را به خود اختصاص داده است که با رویکردی جدید و تحلیلی به آن‌ها پرداخته‌اند، به‌نظر می‌رسد انحصار موضوع کتاب بر ادبیات داستانی قدیم و فنی بودن بسیاری از این داستان‌ها راه را بر نویسندگان کتاب برای تحلیل و تطبیق آن‌ها بر اساس اصول داستان‌نویسی جدید بسته است. هرچند نویسندگان کوشیده‌اند برخی داستان‌ها را که از جنبه هنری قوی‌تری برخوردار بوده است مطابق با هنر داستان‌نویسی امروزی تحلیل کنند تا مباحث کتاب روزآمد شود و جواب‌گوی رغبت مخاطبان آن باشد، در همین موارد نیز کاستی‌هایی دیده می‌شود که مرتفع کردن آن به غنای کتاب می‌افزاید. از جمله:

- از آنجاکه کتاب به یک گونه خاص ادبی پرداخته است انتظار می‌رود مباحث نیز نیاز تخصصی مخاطبان خود را در این زمینه برآورده سازد. به‌عنوان مثال، قبل از ورود به تحلیل داستان‌ها لازم است ابتدا مخاطب با اصطلاحات و عناصر داستانی موجود در هر داستان آشنا شود تا بتواند داستان و تحلیل آن را مورد ارزیابی قرار دهد. این درحالی است که بعد از مطالعه این کتاب خواننده به درک تخصصی از عناصر داستانی موجود در داستان‌های قدیم عربی دست نمی‌یازد. چنان‌چه شخصیت‌های

نوعی، ایستا و پویا، ساده و پیچیده، پروتوتیپ^۴ در تحلیل شخصیت‌ها؛ گفت‌وگو و انواع آن در آمیختگی با کنش داستانی و متمایز کردن شخصیت‌ها؛ زاویه دید و انواع آن مانند راوی قهرمان، من‌روایتی، تک‌گویی نمایشی، تک‌گویی درونی؛ صحنه‌های تلخیصی، نمایشی، ختی و نیم‌صحنه؛ درون‌مایه و موضوع به‌عنوان عناصر داستان به‌درستی و به‌صورت علمی تعریف و تحلیل نشده است؛

- مباحث متناسب با سطح دانش مخاطبان آن، که بنا بر گفته نویسنده در پیش‌گفتار کتاب دانشجویان ارشد و دکتری است، تحلیل نشده است و آن‌چنان‌که باید حس پژوهش‌گری آنان را برنمی‌انگیزد. چنان‌که در بررسی داستان‌هایی از کتاب *البخلاء* جاحظ که اغلب آن‌ها از عناصر قوی داستانی بهره‌مند است به تحلیلی سطحی بسنده شده و جز بررسی یکی دو عنصر پیش‌پافتاده سایر عناصر داستانی مانند پی‌رنگ، زاویه دید، گفت‌وگو، و ... رها شده است. به‌ویژه آن‌که همان عناصر هم به‌شکلی دقیق و علمی با نگرشی جدید بررسی و تحلیل نشده است (پروینی و ناظمیان ۱۳۹۶: ۵۷، ۳۸۷، ۳۹۹، ۴۱۵). مانند تحلیل داستان *حی بن یقظان* که پی‌رنگ، زاویه دید، و سبک داستان به‌صورت کلی بررسی شده و نوع و اجزای این عناصر و تأثیر آن‌ها بر عمل داستانی تحلیل نشده است (همان: ۱۷۸-۱۸۲). هم‌چنین، در بررسی عنصر شخصیت به تحلیلی ساده و سطحی از شخصیت‌های داستان بسنده شده است (همان: ۲۳۷، ۴۰۷) و باوجود آن‌که بسیاری از شخصیت‌ها در این داستان‌ها شخصیت تپیک و نوعی هستند (همان: ۳۵۸)، از این نوع شخصیت نه در بخش نظری و نه در بخش تحلیلی و تطبیقی کتاب سخنی به‌میان نیامده است؛ نیز علی‌رغم این‌که در بسیاری از داستان‌ها، گفت‌وگو نقش مهمی را در پیش‌برد عمل داستانی به‌عهده گرفته (همان: ۵۰۰، ۵۱۹) و کارکرد اصلی خود را، یعنی «همانند تصویر، وسیله‌ای برای ارضای نیاز خواننده به محسوس و عینی بودن» (کنی بی‌تا: ۱۳۳) به‌درستی ایفا کرده، در تحلیل داستان‌ها نقش گفت‌وگو مطلقاً مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است (پروینی و ناظمیان ۱۳۹۶: ۴۰۷، ۵۰۰) یا این‌که تنها به بررسی مضمون گفت‌وگوها اکتفا شده است (همان: ۲۵۶)، بدون این‌که نقش آن در تنوع ساختار و محتوای داستان، نمایش ذهنیات و ویژگی شخصیت‌ها، و تقویت هم‌ذات‌پنداری خواننده مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. هم‌چنین، تحلیل زمان و مکان و انواع آن به‌عنوان عنصر مهم صحنه در پردازش داستان، علی‌رغم نقش مهم آن‌ها در برخی

- داستان‌ها، رها شده و در برخی موارد بسیار سطحی بررسی شده است (همان: ۵۸). برخی داستان‌ها نیز فقط تحلیل موضوعی شده‌اند (همان: ۵۲۳).
- در «فصل حکایت‌های صوفیانه» نیز انتظار می‌رود داستان‌ها با رویکردی صوفیانه و به گونه‌ای تحلیل شود که رغبت مخاطبان را برای تحلیل داستان‌های صوفیانه برانگیزد، اما، علی‌رغم فراهم بودن این فضا در نمونه‌های آورده شده از این گونه داستان‌ها، به تحلیلی پیش‌پاافتاده از آن‌ها بسنده شده است. چنین امری را در فصل مقامه‌نویسی و تحلیل «مقامه صوفیه» نیز مشاهده می‌کنیم (همان: ۴۱۳)؛
 - بخش عظیمی از تحلیل‌های کتاب به مضمون داستان‌ها پرداخته است، بدون آن‌که نویسندگان آن را با عنوان درون‌مایه یعنی «معنی و فکر حاکم بر داستان» (میرصادقی ۱۳۶۶: ۱۷۳) بررسی کنند. حال آن‌که اگر مضمون به عنوان معنایی تحلیل می‌شد که دیگر عناصر داستانی چون شخصیت، پی‌رنگ، کش‌مکش، تعلیق، اوج، صحنه، و گفت‌وگو ... را برای ارائه و دستیابی به آن به کار می‌گرفت بی‌تردید نویسندگان کتاب بخش قابل توجهی از توقعات مورد نیاز مخاطبان را برآورده می‌ساختند.
 - در تحلیل داستان‌ها بعضاً مواردی مشاهده می‌شود که شواهد آن‌ها در متن داستانی نیامده است. چنان‌که در «فصل سفرنامه‌نویسی»، نویسندگان در تحلیل گره‌افکنی‌های رساله‌التوابع و الزوابع گره‌هایی را بررسی می‌کنند که در نمونه آورده شده وجود ندارد (پروینی و ناظمیان ۱۳۹۶: ۵۱۶-۵۱۷).

۳.۱.۴ ارتباط محتوایی با سایر منابع آموزشی

یکی از مسائل مهم و جدید در نقد کتب آموزشی میزان مشارکت آن‌ها در هم‌افزایی با دیگر کتاب‌هایی است که در یک مجموعه قرار دارند. کتاب مورد نقد با هدف بررسی و تحلیل ادبیات داستانی قدیم عربی می‌تواند با سایر عناوین درسی، که به گونه‌ای نثر و به‌ویژه نثر داستانی عربی را در ادبیات قدیم و جدید در بر می‌گیرد، نوعی هم‌افزایی داشته باشد و موجب افزایش ادراک مخاطبان در مباحث آن‌ها شود؛ چه آن‌که امروزه در نقد ادبی، اصطلاح ادبیات داستانی «همه انواع آثار داستانی - روایتی منشور را در بر می‌گیرد خواه این انواع از خصوصیت شکوه‌مندی ادبیات تخیلی برخوردار باشد، خواه نباشد؛ یعنی هر اثر روایتی منشور خلاقانه‌ای که با دنیای واقعی ارتباط معنی‌داری داشته باشد در حوزه ادبیات داستانی قرار می‌گیرد» (ایرانی ۱۳۸۰: ۴۸). به همین جهت، اهتمام نویسندگان کتاب بر ادبیات داستانی و تحلیل عناصر داستان‌پردازی یکی از

ضروری‌ترین نیازهای فراگیران در حوزه ادبیات را مرتفع می‌سازد؛ چه آن‌که «ادبیات داستانی به همان اندازه برای زندگی ضروری است که منابع غیرداستانی؛ زیرا دانشی که ادبیات داستانی را در بر دارد با دانش ادبیات غیرداستانی متفاوت است. ادبیات داستانی دانش تجربه‌هاست، به وسیله احساس آدمی حس می‌شود و با اندیشه وی ادراک می‌گردد» (پراین ۱۳۶۵: ۲۴). از این رو، این کتاب برای تمام علاقه‌مندان، استادان، و دانشجویان زبان و ادبیات عربی حاوی مطالب ارزشمند و مقدمه‌ای برای شکل‌گیری تحقیقات عالمانه‌تر و عمیق‌تر بعدی خواهد بود. هرچند منحصر‌بودن آن به ادبیات داستانی قدیم عربی و ضعف تحلیل عناصر داستان‌پردازی در بسیاری از داستان‌ها انتظار موردتوقع را برای تدریس در ادبیات داستانی (در دوره ارشد) و نقد ادبی (در دوره ارشد و دکتری) برآورده نمی‌سازد و لازم است در صورت معرفی آن برای تدریس در این دو مقطع ضعف‌های ذکرشده مرتفع شود.

۴.۱.۴ ظرفیت مطالب در برقراری ارتباط با فراگیران و اثرگذاری بر آن‌ها

«بررسی‌های عاطفی و روانی دانشجویان نشان می‌دهد، در صورتی که آنان با متنی ارتباط مثبت برقرار کنند و آن را بپذیرند، فراگیری و یادگیری‌شان افزوده می‌شود» (رضی ۱۳۸۸: ۲۴). اگرچه محتوای کتاب موردنقد با رویکردی آموزشی و با توجه به زمینه‌های عاطفی و شناختی و مهارتی دانشجویان ارائه شده است، آوردن نمونه‌هایی از متن‌های داستانی قدیم عربی به عنوان عاملی برانگیزاننده تخیل مخاطب را گسترش می‌دهد و کمک می‌کند تا خسته‌کنندگی و یک‌نواختی مباحث توصیفی و آموزشی را کم‌تر حس کند و مطالب آموزشی را با لذت و عمق بیشتری فراگیرد. وجود این عامل انگیزشی در کنار زمینه‌های دیگری چون ترجمه نمونه‌های داستانی و مباحث ادبی و تاریخی‌ای که دانشجو می‌تواند آن‌ها را با آگاهی‌های پیشین خود مرتبط سازد و نیز تحلیل عناصر داستانی با هدف گسترش دامنه اطلاعات از محاسن این کتاب در مقایسه با سایر کتاب‌هایی است که با چنین رویکردی تألیف شده است. البته، در این میان کاستی‌هایی به‌ویژه در ترجمه وجود دارد که در صورت رفع آن می‌توان ارزش آموزشی این کتاب را دوچندان ساخت:

- برخی از متن‌ها، علی‌رغم اهمیت آن‌ها، بدون ترجمه رها شده است (پروینی و ناظمیان ۱۳۹۶: ۴۸۰، ۲۱۶)؛

- ترجمه‌ها چه در متن‌های داستانی و چه در متن‌های استنادی، دقیق، فنی، و متناسب با سطح دانشجویان ارشد و دکتری نیست. به‌عنوان مثال، در نقل‌قولی از کتاب

المقدسی، به جای «نه از ترتیب تاریخی در سرگذشت دوری می‌کند...» می‌توان گفت: «نه ترتیب تاریخی در سرگذشت را نادیده می‌گیرد...» (همان: ۲۲). که چنین نمونه‌هایی در ترجمه‌ها بسیار است و در این مجال اندک فرصت پرداختن به همه آن‌ها نیست (همان: ۲۸، ۳۱، ۳۲۸، ...). از این رو، لازم است که متن‌های ترجمه‌شده در کتاب به‌طور کامل ویرایش شود؛

- در برخی موارد ترجمه‌ها مبهم است (همان: ۴۴، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۹۵، ۴۱۱، ۳۳۳، ۳۳۱، ...)
- ترجمه‌ها پختگی و روانی لازم را ندارد (همان: ۶۲، ۶۳، ۲۴۶، ۲۲۷، ۲۴۹، ۲۹۷، ۳۳۲، ۳۸۲، ۳۹۳، ...).

۵. پیش‌نهادهای

- به‌منظور غنی‌ساختن محتوا و به‌کمال‌رساندن کتاب توجه به موارد زیر شایسته است:
- نمونه‌های داستانی به‌گونه‌ای انتخاب شود که مجال شناسایی و تحلیل همه عناصر داستان‌پردازی در آن‌ها متناسب با مخاطبان آن فراهم شود و انگیزه آنان را برای پژوهش در این حوزه فراهم سازد؛
 - میان مباحث ارائه‌شده در کتاب مرزبندی دقیق‌تری صورت گیرد تا متن کتاب از انسجام و هماهنگی بیش‌تری برخوردار شود؛
 - مباحث تکراری حذف و به‌جای آن بر مطالب مربوط به تحلیل داستان و عناصر داستانی افزوده شود؛
 - عناوین با محتوای ارائه‌شده در زیر آن متناسب شود و با شماره‌گذاری عناوین تشخیص عناوین اصلی از فرعی و ریز‌عناوین برای مخاطب آسان شود؛
 - میان متن‌های عربی و ترجمه آنان هماهنگی ایجاد شود و در ویرایش ترجمه‌ها تلاش شود تا روانی و پختگی لازم به‌وجود آید؛
 - برای قوت‌بخشیدن به زبان متن لازم است متن کتاب به‌دقت ویرایش مفهومی، نگارشی، و املائی شود.
 - در صورت انجام پیش‌نهادهای بالا و متناسب‌ساختن کتاب با سطح مخاطبان در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، می‌توان این کتاب را به‌عنوان کتاب کمک‌آموزشی یا منبع دوم در درس «ادبیات داستانی» در مقطع کارشناسی ارشد و درس «نقد ادبی» در دوره کارشناسی ارشد و دکتری پیش‌نهاد داد.

۶. نتیجه گیری

باتوجه به اهمیت ادبیات داستانی، به عنوان یکی از مهم ترین گونه های ادبی، تناسب محتوای منابع آموزشی مربوط به آن با اهداف تدریس و سطح مخاطبان امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. کتاب ادبیات داستانی قدیم عربی با رویکردی جدید برپایه تحلیل عناصر داستان پردازی در حوزه ادبیات داستانی قدیم توانسته است بخش عظیمی از اهداف موردانتظار در این زمینه را برآورده سازد. اطلاعات جامع کتاب شناسی، طراحی روی جلد، حجم، برخورداری از عنوان بندی موضوعات، بهره مندی از منابع به روز و دست اول، رعایت امانت در ارجاع به منابع استفاده شده در متن کتاب، و برخورداری از زبان رسمی روان، قابل درک، و به دور از پیچیدگی از ویژگی های ساختاری مثبت کتاب است که اگر مباحث تکراری و غیر ضروری از آن حذف، عناوین شماره گذاری، و ناهماهنگی های آن رفع شود و زبان متن یکبار دیگر ویرایش مفهومی، نگارشی، و املائی شود، کتاب تا حد زیادی مقبول جوامع دانشگاهی خواهد بود.

هم چنین، در بررسی محتوای کتاب می توان داشتن شناسنامه روشن، بررسی پیشینه پژوهش، ارائه منطقی محتوا، روزآمدی و ارتباط آن با سطح دانش و رغبت مخاطبان، ارتباط آن با سایر منابع آموزشی، ظرفیت بالای کتاب در اثرگذاری بر یادگیری مخاطبان را از محاسن کتاب در بخش محتوایی آن به شمار آورد؛ که اگر بر تحلیل عناصر داستانی به صورت فنی و علمی تأکید بیش تری شود، در ارائه مباحث مرزبندی دقیق تری صورت گیرد و در ترجمه متن های عربی دقت بیش تری به عمل آید، می تواند به عنوان منبع کمک آموزشی دانشگاه ها در عنوان «ادبیات داستانی» در دوره کارشناسی ارشد و «نقد ادبی» در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری مورد توجه قرار گیرد.

پی نوشت ها

۱. متولد ۱۳۴۸، عضو هیئت علمی زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس با رتبه علمی استاد، دارای مقالات بسیاری در مجلات علمی - پژوهشی، کنفرانس ها، و مجامع علمی در حوزه های قرآن و مطالعات اسلامی، نقد ادبی، ادبیات معاصر، ادبیات تطبیقی، آموزش زبان عربی، و ... هستند. علاوه بر کتاب موردنقد در این مقاله، پنج اثر دیگر در حوزه ادبیات و ترجمه نیز تألیف کرده اند.
۲. متولد ۱۳۵۷، عضو هیئت علمی زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی با رتبه علمی دانشیاری، مقالاتی در مجلات علمی - پژوهشی، کنفرانس ها، و مجامع علمی در حوزه های نقد ادبی، ادبیات

معاصر، ادبیات تطبیقی دارد. علاوه بر کتاب موردنقد در این مقاله، دو اثر دیگر نیز در حوزه ادبیات تألیف کرده است.

۳. مطابق با گفته نویسندگان در پیام پژوهش.

۴. پروتوتیپ یعنی «نمونه‌های اولیه‌ای که در زندگی واقعی به‌نوعی ذهن نویسنده را برای خلق یک کاراکتر تحریک کرده و به او ابزارها و مواد خام لازم را برای این آفرینش بخشیده‌اند» (دقیقیان ۱۳۷۱: ۵۸).

کتاب‌نامه

آل داوود، علی (۱۳۹۰)، «چند نکته در باب نقد»، کتاب ماه کلیات (ماه‌نامه تخصصی اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب در حوزه اطلاعات، ارتباطات و دانش‌شناسی، ویژه‌نامه نقد و بررسی کتاب)، ۵ (۱۶۷).

ایرانی، ناصر (۱۳۸۰)، هنر رمان، تهران: آبانگاه.

پراین، لارنس (۱۳۶۵)، تأملی دیگر در باب داستان، ترجمه محسن سلیمانی، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

پروینی، خلیل و هومن ناظمیان (۱۳۹۶)، ادبیات داستانی قدیم عربی (گونه‌شناسی و تحلیل عناصر داستانی)، تهران: سمت.

پک، جان و مارتین کویل (۱۳۹۵)، روش مطالعه ادبیات و نقدنویسی، ترجمه سرورالسادات جواهریان، تهران: قطره.

حسن مرادی، نرگس (۱۳۸۸)، تحلیل محتوای کتاب درسی، تهران: آبیژ.

حقیقی، ابراهیم (۱۳۷۸)، «گرافیک؛ لباسی برازنده برای کتاب»، کتاب ماه (ویژه هفتمین دوره هفته کتاب)، تهران.

دقیقیان، شیرین‌دخت (۱۳۷۱)، منشأ شخصیت در ادبیات داستانی و پژوهشی در نقش پروتوتیپ‌ها در آفرینش ادبی، تهران: نویسنده.

ذاکری، مصطفی (۱۳۸۸)، اصول، نتایج و گونه‌های نقد (مجموعه مقالاتی در حوزه مبانی نظری نقد به‌قلم گروهی از نویسندگان)، گردآوری علی اوجبی، دفتر اول، تهران: خانه کتاب.

رضی، احمد (۱۳۸۸)، «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی»، مجله پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۲۴، ش ۲۱.

شعبانی، حسن (۱۳۸۵)، مهارت‌های آموزشی (روش‌ها و فنون تدریس)، تهران: سمت.

کاردن، جی. ای. (۱۳۸۶)، فرهنگ ادبیات و نقد، ترجمه کاظم فیروزند، تهران: شادگان.

کرپندروف، کلاوس (۱۳۹۰)، تحلیل محتوا (مبانی روش‌شناسی)، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نی.

تحلیل انتقادی کتاب ادبیات داستانی قدیم عربی ... (لیلا جمشیدی) ۶۵

کنی، دبلیو. پ. (پی تا)، چگونه ادبیات داستانی را تحلیل کنیم، ترجمه مهرداد ترابی نژاد، محمد حنیف، تهران: زیبا.

ملکی، حسن (۱۳۸۵)، نقد کتاب درسی: تعریف و معیارها؛ مبانی و معیارهای نقد کتاب درسی دانشگاه، تهران: سخن.

میرصادقی، جمال (۱۳۶۶)، ادبیات داستانی، تهران: شفا.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۵)، مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، تهران: نیلوفر.

نجم، محمدیوسف (۱۹۷۴)، فن القصه، بیروت: دارالثقافه.

نیکلس، هاوارد (۱۳۷۷)، راهنمای عملی برنامه‌ریزی درسی، ترجمه داریوش دهقان، تهران: قدیانی.

یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۸۶)، اصول برنامه‌ریزی درسی، تهران: یادواره کتاب.

یونسی، ابراهیم (۱۳۵۱)، هنر داستان‌نویسی، تهران: امیرکبیر.

Peh W C. G. and Ng K. H. (2010), "Effective Medical Writing", Writing a Book Review, *Singapore Medical Journal*, 51(9).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی